

گذر صندوق توسعه ملی ۷ میلیارد دلار تسهیلات ارزی در سال ۹۷ پرداخت کرد

● طبق آمار عملکرد صندوق توسعه ملی در سال ۹۷ بیش از هفت میلیارد دلار تسهیلات ارزی پرداخت شد. به گزارش فارس، عملکرد صندوق توسعه ملی در سال ۹۷ در حوزه میزبان اعطای تسهیلات ارزی مشخص شد. براساس این اطلاعات، برای تکمیل طرح انتقال آب به اراضی سیستان (بند «ه» تبصره ۴ قانون بودجه ۹۷) ۳۵۰ میلیون دلار پرداخت شده است. همچنین برای طرح مهار و تنظیم آب‌های مرزی مصوب سال ۹۳ هیئت وزیران بالغ بر ۸۳۴ میلیون دلار و برای اجرای بند «د» تبصره ۴ قانون بودجه ۹۷ نیز سه میلیارد و ۳۹۳ میلیون دلار پرداختی ثبت شد. طرح توسعه اراضی کشاورزی خوزستان و ایلام صد میلیون دلار دریافتی داشته که مربوط به مصوبه سال ۹۲ هیئت وزیران است. اجرای بند «و» تبصره ۲ قانون بودجه ۹۷ نیز ۹۶ میلیون دلار تسهیلات دریافت کرده و برای سرفصل سایر که جزئیات آن نامعلوم و غیرشفاف است، دومیلیارد و ۳۴۴ میلیون دلار پرداخت شد. در مجموع نیز بالغ بر هفت میلیارد و ۲۰ میلیون دلار تسهیلات ارزی در سال ۹۷ برای تکالیف مصوب‌شده در نظر گرفته شد.

گیرندگان ارز دولتی روبه افزایش ارز دولتی به ۱۱۲۰۰ شرکت رسید

● براساس فهرست منتشرشده از سوی بانک مرکزی در سه‌ماهه نخست سال جاری بیش از ۱۱هزارو ۲۰۰ شرکت، ارز دولتی دریافت کرده‌اند. به گزارش ایسنا، در پی تحریم‌های آمریکا علیه ایران و افزایش قیمت دلار در بازار و کاهش پول ملی، نرخ تورم افزایش پیدا کرد و سرعت رشد قیمت کالاها شتاب بیشتری به خود گرفت و در همین راستا دولت در ابتدا از اختصاص ارز دولتی به تمامی کالاهای وارداتی خبر داد و پس از مدتی این ارز را محدود به کالاهای اساسی و ضروری کرد. در همین راستا، تخصیص ارز دولتی به شرکت‌ها برای واردات کالاهای اساسی ادامه یافت و بانک مرکزی دلار را به‌زای چهارهزارو ۲۰۰ تومان برای این کالاها تأمین کرد. بر این اساس، طبق اطلاعات منتشرشده از سوی بانک مرکزی از دریافت‌کنندگان ارز دولتی، از ابتدای سال جاری تا ششم تیر به بیش از ۱۱هزارو ۲۰۰ شرکت ارز دولتی اختصاص یافته تا کالاهای اساسی را وارد کنند. با وجود اینکه احتمال تخلف در ورود کالاهایی به جز کالاهای اساسی با ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی منتفی نیست، بانک مرکزی فقط اسم شرکت‌ها، کد ملی افراد و میزان ارز ارائه‌شده به آنها را اعلام کرده و اطلاعاتی از کالاهای واردشده با این ارز ارائه نمی‌دهد. این در حالی است که با وجود تغییرنکردن قیمت دلار برای واردات کالاهای اساسی، قیمت این کالاها از سال گذشته تاکنون رشد چشمگیری داشته است. برخی کارشناسان بر این باورند که دولت می‌تواند به‌جای اختصاص ارز دولتی برای واردات کالاهای اساسی، نرخ واردات کالاهای اساسی را آزادسازی کند و از واردکنندگان ب‌خرد و در ازای آن، بارانه خود را به‌طور مستقیم روی قیمت کالاها اعمال کند.
باین‌حال در آخرین جلسه‌ای که درباره حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی از واردات گرفته شد، تصمیم بر این شد که اختصاص این ارز به کالاهای اساسی ادامه یابد. البته عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی نیز اعلام کرده بود که درحال حاضر درصورتی‌که واردات دارو با ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی ادامه یابد، رقم ارز دولتی اختصاص‌یافته به سایر کالاها چندان زیاد نیست و برای حذف این رقم نمی‌توانیم شوک قیمتی به بازار وارد کنیم. در رابطی که شاهد افزایش قیمت تمامی کالاها در کشور هستیم، بانک مرکزی نیاز است که اطلاعات کالاهای واردشده با ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی را نیز منتشر کند تا مردم بدانند که با این یارانه، چه کالاهایی وارد کشور شده و چه تأثیری بر بازار این کالاها داشته است؟

حساب‌های دولتی شرکت‌های ۲ وزارتخانه مسدود می‌شود

● انسداد حساب‌های دولتی شرکت‌های دو وزارتخانه نفت و نیرو در بانک ابلاغ شد. به گزارش ایسنا، طبق ابلاغ آیین‌نامه قانون بودجه سال ۹۸ درباره هدفمندی یارانه‌ها که دیروز از سوی معاون اول رئیس جمهوری ابلاغ شده، بانک مرکزی مکلف است بانک‌های عامل را موظف به مسدودکردن حساب‌های شرکت‌های دولتی وزارت نفت و نیرو کند. هیئت وزیران در جلسه ۱۶ تیر ۱۳۹۸ به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه کشور (با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، نفت، نیرو و تعاون، کار و رفاه اجتماعی) و به استناد بند (ب) تبصره (۱۴) ماده‌واحد قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور، آیین‌نامه اجرایی این تبصره را به هدف تعیین منابع و مصارف یارانه تصویب کرد. ماده چهارم این آیین‌نامه اجرایی وزارتخانه‌های نفت، نیرو و بانک مرکزی را موظف کرده در یک ماه از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه تمامی گردش مالی و حساب‌های ربالی و ارزی شرکت‌های مشمول این آیین‌نامه را از مبادی اولیه وصول صرفا از طریق حساب‌های افتتاح‌شده نزد بانک مرکزی انجام دهند.

علی رمضانیان: اینکه مدیران اقتصادی کشور دنبال دلار باشند، فاجعه است. رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید مردم اگر امروز دلار بخرند، ضرر می‌کنند؛ ولی برعکس می‌بینیم مردم خریدند و سود کردند. این واقعه سبب بی‌اعتمادی به مدیران اقتصادی می‌شود؛ اما چرایی اینکه دلار این‌قدر اهمیت دارد که رئیس کل بانک مرکزی نیز مجبور است درباره آن سخن بگوید، این است که ما کشوری خام‌فروش هستیم و دولت ارزهای حاصل از صادرات را به واردکننده می‌فروشد و به دلیل اینکه بسیاری از کالاهای مصرفی ما وارداتی هستند، تغییر نرخ دلار اهمیت بسیاری بر اقتصاد کشور دارد.

فضای اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. این مشکلات از گذشته به ارث رسیده و در یکی یا دو سال به وجود نیامده‌اند. نبود استراتژیست، تصمیمات خلق‌الساعه، دغدغه‌های واهی برخی از مدیران ارشد اقتصادی و کنترل‌نداشتن افکار عمومی جامعه ازجمله مشکلاتی هستند که در تشدید بحران‌های اقتصادی اخیر دخیل بوده‌اند. برای برون‌رفت از این رخدادها باید غزمی جدی داشت و خون تازه‌ای در رگ مدیران اجرایی و اندیشه تازه تزریق کرد. مهدی موسوی، تحصیل‌کرده دکترای اقتصاد دانشگاه ساوت‌همپتون انگلیس معتقد است «فضای اقتصادی کشور ناامیدکننده نیست، اما به دلیل اینکه افکار عمومی در کنترل دولت نیست بر همین اساس همه فضا سیاه نمایش داده می‌شود». در ادامه مصاحبه با مهدی موسوی را می‌خوانید.

۴ فضای کلی اقتصاد ایران در نگاه اقتصاددانان چندان فضای مناسب و امیدوارکننده‌ای نیست، این ناامیدی برآمده از داده‌های اقتصادی است؛ تحلیل شما از این فضا چیست؟ امیدوارانه است یا ناامیدکننده؟

چندین پارامتر برای بررسی اقتصاد یک کشور وجود دارد: نرخ تورم، پارامترهای توزیع درآمد، ضریب جینی و اطلاعات دگه‌های مختلف، تولید ناخالص داخلی و ملی، رشد اقتصادی و... از مواردی هستند که برای بررسی یک اقتصاد مهم‌اند. وقتی این پارامترها را کنار هم می‌گذاریم، فضای کلی اقتصاد امیدوارکننده نیست؛ اما در مقابل این پارامترها باید داده‌های دیگری را نیز بررسی کنیم که شاید کمی فضای ناامیدی تغییر کند. قبل از بیان این پارامترها، بگویم همیشه شرایط اقتصادی برای همه دنیا بد است. هیچ کشوری در دنیا در شرایط ایدئال قرار نداشته و اقتصاددانان از وضع موجود راضی نیستند که این به دلیل ذات منحنی‌های مطلوبیت انسان است. برای مثال، بر اساس اقتصاد رفتاری، انسان از مصرف لذت نمی‌برد، بلکه از اختلاف لذت‌ها ا قناع می‌شود. به زبان اقتصادی، یعنی به جای اینکه یک منحنی محدب مطلوبیت داشته باشیم، منحنی‌ای داریم که در جایی محدب و جای دیگر مقعر است؛ بنابراین یک سیستم اقتصادی هرگز مطلوب نخواهد بود. دلیل اصلی آن نیز این است که نیازهای انسان‌ها از دارایی‌های آن پیشی می‌گیرد. به همین دلیل در اغلب انتخابات جهان، مهم‌ترین شعارهای کاندیداها همواره اقتصادی است و قول می‌دهند شرایط را بهتر خواهند کرد. حال برگردیم به پرسش شما؛ برای پاسخ به این پرسش باید چند وجه را در نظر بگیریم:

نخستین نکته‌ای که درباره شرایط اقتصادی مهم است، این است که جامعه انسانی همواره در حال یادگیری بوده و رفتارهای جدید را می‌آموزد و از تئوری‌های قدیمی به تئوری‌های جدید رسیده است. در بازار مالی نیز از پول هوشمند میئون فریدمن که معتقد بود در بازارهای مالی و سرمایه پول هوشمند همواره باقی می‌ماند، به تئوری بازار کار فاما رسیدیم که معتقد بود افراد عاقلانه عمل می‌کنند و در نتیجه بازار به سمت اتفاقات تصادفی حرکت می‌کند؛ اما در پارادایسم جدید می‌گویند افراد لزوما عاقلانه رفتار نمی‌کنند، ولی به مرور زمان رفتار آنها عقلایی می‌شود. پس برای اینکه یک جامعه توسعه‌یافته داشته باشیم، باید جامعه‌ای باثبات داشته باشیم که دغدغه فروپاشی در آن نباشد؛ چراکه وقتی جامعه به سمت فروپاشی پیش نرود، به‌تدریج خود را اصلاح کرده و شرایط بهبود پیدا می‌کند و به سمت توسعه‌یافتگی پیش می‌رود؛ به دلیل اینکه هم مردم و هم سیاست‌گذار یاد می‌گیرند رفتارهای خود را اصلاح کرده و به شرایط مطلوب برسند؛ بنابراین مهم‌ترین عامل توسعه مقوله سرمایه انسانی و تولید است.

از نکات مهم دیگر، میزان تحصیلات شهروندان است؛ چراکه ذهن افراد تحصیل‌کرده، ذهنی قدرتمند بوده و می‌تواند کشور را به سمت توسعه هدایت کند. هرچند کیفیت آموزشی ما چندان بالا نیست، ولی می‌توان با وجود خیل تحصیل‌کرده‌های امروز، این مسئله را مثبت ارزیابی کرد. اینکه هزینه‌های آموزشی راقابت شد. پس طبق متوسط ما طبقه قدرتمندی است که کمتر اشتباه می‌کند.

۴ سه مقوله کیفی توسعه‌یافتگی، رفاه، رضایت و معنا هستند. در ایران ما تقریبا در هر سه مورد با مشکلاتی مواجه هستیم، شما می‌گویید در انتخابات مردم دنبال وعده‌های اقتصادی پوپولیستی نرفتند این یعنی رفاه، رضایت و معنا در درجه بالا

اقتصاد



برای کنترل فضای اقتصادی، دولت باید سوار بر افکار عمومی جامعه شود

مدیران دلارمحور

قرار دارد؛ اما امروزه شاهد این فضای مثبت مدنظر شما نیستیم.

دو مسئله رفاه و رضایت بسیار مهم هستند؛ اما زمانی رفاه رضایت می‌آورد که رفاهی فزاینده باشد و درجا نزند؛ مثلا اگر شهروندی در مقایسه با گذشته بهتر مصرف کند، ممکن است رضایت بیشتری داشته باشد و احتمالا رفاه بیشتری خواهد داشت؛ همچنین نکته‌ای که رضایت را در مقایسه با رفاه مهم‌تر می‌کند، این است که براساس تحقیقات انجام‌شده بیش از اینکه میزان درآمد و دریافتی شما برای شما اهمیت داشته باشد، به این توجه می‌کنید که تفاوت درآمد همکاران با شما چقدر است.

در اینجا باید درباره میزان رضایت نکته مهم‌تری را مدنظر قرار داد. در ایران کنترل افکار عمومی از دست دولتمردان خارج شده است. ذکر مثال در اینجا خالی از لطف نیست در انگلیس به‌تازگی دو فیلم به نمایش گذاشته شده که فقر در شمال انگلستان را به‌شدت اسفبار معرفی می‌کند؛ اما در افکار عمومی انگلستان و حتی دنیا چندان مطرح نمی‌شود؛ اما در ایران یک فیلم در همین زمینه‌ها ساخته می‌شود و در دنیا مطرح می‌شود؛ بنابراین این مسئله نشان‌دهنده آن است که کنترل اذهان عمومی را در دست نداریم و متأسفانه در خارج از ایران وجود دارد و رسانه‌های ما نتوانسته‌اند اعتماد مردم را جلب کرده و متأسفانه گویی از بلندگوی دیگری برای ما تصمیم‌گیری می‌شود؛ بنابراین در حوزه رضایت ما کمترین اقدامی نکرده‌ایم؛ به‌همین‌دلیل همه می‌گویند شرایط بد است، فضا منفی است و مردم عادی هم می‌توانند درباره شرایط بد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تحلیل کنند و همه درباره این مسائل گفت‌وگو می‌کنند که نشان از نارضایتی دارد و کسی سوار بر این اذهان عمومی نیست؛ چراکه بخشی از این رخدادها براساس جنگ روانی از خارج از ایران ایجاد شده است. این موضوع در بلندمدت در تصمیم‌سازی‌های دولتمردان تأثیر ندارد؛ چراکه تصمیم اغلب سیاست‌گذاران سیاسی است و استراتژیک نیست. براساس آینده‌پژوهی نیست و گاهی اغلب تصمیم‌ها خلق‌الساعه بوده و با پشتوانه منطق، تحقیق و علم همراه نیست.

این مسئله ازجمله مسائلی است که به عقیده دانشمندان باید با ترکیب اقتصادی-سیاسی و اقتصادی-رفتاری به آن رسید؛ اما در ایران دراین‌باره بضاعت ما کم بوده و مقالات زیادی وجود ندارد. در اقتصاد رفتاری میجنی با عنوان «مشکل اراده» یا همان خودکنترلی داریم. مثال ساده‌اش این است که شخصی تصمیم می‌گیرد که فردا صبح زود از خواب بیدار شود؛ اما وقتی صبح ساعت زنگ می‌زند، تصمیم خود را عوض کرده و به خود می‌گوید نیاز نیست بیرون برود و بیشتر می‌خواید. اینکه من در دو زمان (شب قبل از خواب و صبح بعد از خواب) تصمیم خود را این‌گونه تغییر دهم، در مدل‌های اقتصادی کلاسیک نمی‌گنجد؛ اما در اندیشه‌های جدید وارد مسائل ریاضی و میحت تنزیل می‌شود؛ یعنی اگر جامعه‌ای مشکل اراده داشته باشد، حتما در انتخابات به بدترین گزینه رای می‌دهد.

اگر در جامعه‌ای سطح آگاهی متوسط یا متوسط رو به پایین وجود داشته باشد و در این جامعه انتخاباتی برگزار شود و نفر اول وعده مُسکن بدهد و نفر دوم وعده درمان بدهد، حال اگر جامعه پیچیده نباشد، همواره مُسکن را انتخاب می‌کند. در چنین شرایطی اقتصاد آزاد کارایی لازم را ندارد. در چنین شرایطی دولت نمی‌تواند برای بلندمدت تصمیم‌گیری کند و فقط در کوتاهمدت کار می‌کند.

به عقیده برخی از کارشناسان، سیستم‌های لیبرالی و سرمایه‌داری برای اینکه این مشکل را حل کند، انتخابات را محدود کرده است. به‌عنوان نمونه آمریکا انتخابات محدودی را ایجاد می‌کند؛ هرچند این انتخابات محدود دیده نمی‌شود؛ اما صرفا بین جمهوری خواه و دموکرات است و فقط از این دو حزب، یکی برنده است. شاید شورای نگهبانی را به طور علنی نبینید؛ اما شورای نگهبان در آمریکا لابی ثروتمندی است. کاندیدای آمریکایی برای اینکه پیروز شود، باید پول جمع کند و پول در دستان لابی‌ها و ثروتمندان است و باید به وسیله ابزار رسانه‌ای این لابی‌ها پیروز شود و باید اذهان را هدایت کند و براساس این نمی‌تواند صرفا دنبال مُسکن‌ها برود و درمان هم اهمیت پیدا می‌کند. اوپاما یک مُسکن بود که جواب نداد و در نهایت شکست خورد.

بر ایران مسئله متفاوت است. شاید با کمی اغماض به‌نوعی بتوان گفت که انتخابات در ایران آزادانه‌تر

از آمریکا انجام می‌شود؛ چراکه افراد به برنامه‌های کاندیداها بیشتر توجه می‌کنند تا در آمریکا (منظورم از جنبه اقتصادی است).

برنامه‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت یک دولت بسته به این است که مردم به دنبال مُسکن هستند یا درمان؛ یعنی وقتی مردم فقط به دنبال مُسکن باشند، دولت‌ها هم به دنبال اقناع نیازهای آنی آنها می‌رود؛ مثلا یارانه نقدی می‌دهند؛ حتی اگر به ضرر آنها باشد. مثلا در دولت یازدهم که برای یارانه‌ها دوباره ثبت‌نام شد، کسی انصراف نداد؛ اما در کشور سوئیس از مردم خواسته شد که بیش از هزار دلار یارانه دریافت کنند؛ ولی آنها آن را نپذیرفتند و گفتند یارانه نمی‌خواهند.

۴ مشکل ما اینجاست که در کشور برنامه‌های بلندمدتی وجود ندارد؛ حتی اگر وجود داشته باشد، مدیران، وزرا و حتی رئیس‌جمهور استراتژی قلی را قبول ندارد، بعد خودش استراتژی می‌نویسد که چرا سیستم تصمیم‌گیری ایران خلق‌الساعه است.

بله؛ متأسفانه این تصمیمات خلق‌الساعه بلای جان ایران شده و رئیس‌جمهورها گاهی تصمیماتی می‌گیرند که سیستم اقتصادی را برهم می‌ریزد. به‌عنوان نمونه سازمان برنامه و بودجه که دهه‌ها عمر داشت و عملکرد آن تثبیت شده بود، از سوی یک رئیس‌جمهور منحل می‌شود و رئیس‌جمهور بعدی با زحمت آن را رهااندازی می‌کند و متأسفانه مدیران ارشد کشور

تصمیمات متفاوتی با تیم قبلی می‌گیرند. ریشه این درد، نبود استراتژیست ایرانی است. در چهار دهه گذشته ما استراتژیست تربیت نکرده‌ایم تا امروز بتواند ایران را نجات دهد. زمانی استراتژیست در کشوری وجود دارد که جریان قدرتی وجود داشته باشد که انباشت علم را به وجود آورد. به‌عنوان نمونه یکی از راه‌ها این است که حزبی وجود داشته باشد که از دانشگاه نیرو گرفته و از رده سنی ۲۰ تا ۷۰ سال را در این گروه داشته باشد تا ۷۰ساله‌ها، ۲۰ساله‌ها را تربیت کرده و آنها را به سیستم اجرایی بفرستند و درنهایت بر سر موضوعات مهم و حیاتی کشور به توافق برسند که نهایتا این توافق به استراتژی تبدیل می‌شود؛ اما در این زمینه ما کمبود داریم. در جریان دوم خرداد حزبی وجود داشت که استراتژی آن خروج از حاکمیت بود. چطور می‌توان حزبی را تأسیس کرد و ادامه حیات داد که استراتژی آن خروج از قدرت و حاکمیت باشد؟ اما برای آینده من خوش‌بین هستم؛ چراکه به سمت داشتن استراتژی حرکت می‌کنیم. مسئله مهم زمان است. توسعه یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد؛ چراکه یک بدنه اجتماعی با اکثریت طبقه متوسط تحصیل‌کرده داریم که می‌تواند این فضای مثبت را در بلندمدت ایجاد کند. بنابراین سه موضوع مهم نیروی جوان پویا، طبقه متوسط قوی و امنیت مسئله مهمی برای توسعه‌یافتگی و داشتن استراتژی‌های کلان است.

یک بدترین شرایط اقتصادی کشور، شاهد حضور یک اقتصاددان در رأس امور اقتصادی نیستیم. صاحبان اندیشه اقتصادی ایران در ماه‌های اخیر خانه‌نشین شده و یقه‌سفیدهای مدعی اقتصادی کل بانک مرکزی تمام دغدغه‌اش شده کنترل نرخ دلار و سکه و طلا و به نوعی شده است روابط عمومی در بدترین شرایط اقتصادی کشور، شاهد حضور اقتصاددانان در رأس امور اقتصادی نیستیم. صاحبان اندیشه اقتصادی ایران در ماه‌های اخیر خانه‌نشین شده و یقه‌سفیدهای مدعی اقتصادی کل بانک مرکزی تمام دغدغه‌اش شده کنترل نرخ دلار و سکه و طلا و به نوعی شده است روابط عمومی دلار در ایران و این یعنی امروز را دریابیم و فردا را...؟

یکی از مشکلات مدیریتی ما این است که اغلب افراد کسانی بودند که اول شغلی داشتند، بعد مدارک اخذ کردند و عقبه علمی ندارند و ضمن خدمت مدرک گرفته‌اند و این در بیشتر موارد منتج به علمی‌شدن افراد نمی‌شود و این مدیران با ضعف علمی مواجه‌اند. مسئله بعدی اینکه خون تازه‌ای در بدنه تکنوکرات کشور تزریق نمی‌شود. اینکه مدیران اقتصادی کشور به‌دنبال دلار باشند، فاجعه است. رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید ما به‌تدریج به سمت توسعه‌یافتگی می‌رویم؛ ولی برعکس می‌بینیم که مردم خریدند و سود کردند.

این مسئله ازجمله مسائلی است که به عقیده دانشمندان باید با ترکیب اقتصادی-سیاسی و اقتصادی-رفتاری به آن رسید؛ اما در ایران دراین‌باره بضاعت ما کم بوده و مقالات زیادی وجود ندارد. در اقتصاد رفتاری میجنی با عنوان «مشکل اراده» یا همان خودکنترلی داریم. مثال ساده‌اش این است که شخصی تصمیم می‌گیرد که فردا صبح زود از خواب بیدار شود؛ اما وقتی صبح ساعت زنگ می‌زند، تصمیم خود را عوض کرده و به خود می‌گوید نیاز نیست بیرون برود و بیشتر می‌خواید. اینکه من در دو زمان (شب قبل از خواب و صبح بعد از خواب) تصمیم خود را این‌گونه تغییر دهم، در مدل‌های اقتصادی کلاسیک نمی‌گنجد؛ اما در اندیشه‌های جدید وارد مسائل ریاضی و میحت تنزیل می‌شود؛ یعنی اگر جامعه‌ای مشکل اراده داشته باشد، حتما در انتخابات به بدترین گزینه رای می‌دهد.

اگر در جامعه‌ای سطح آگاهی متوسط یا متوسط رو به پایین وجود داشته باشد و در این جامعه انتخاباتی برگزار شود و نفر اول وعده مُسکن بدهد و نفر دوم وعده درمان بدهد، حال اگر جامعه پیچیده نباشد، همواره مُسکن را انتخاب می‌کند. در چنین شرایطی اقتصاد آزاد کارایی لازم را ندارد. در چنین شرایطی دولت نمی‌تواند برای بلندمدت تصمیم‌گیری کند و فقط در کوتاهمدت کار می‌کند.

به عقیده برخی از کارشناسان، سیستم‌های لیبرالی و سرمایه‌داری برای اینکه این مشکل را حل کند، انتخابات را محدود کرده است. به‌عنوان نمونه آمریکا انتخابات محدودی را ایجاد می‌کند؛ هرچند این انتخابات محدود دیده نمی‌شود؛ اما صرفا بین جمهوری خواه و دموکرات است و فقط از این دو حزب، یکی برنده است. شاید شورای نگهبانی را به طور علنی نبینید؛ اما شورای نگهبان در آمریکا لابی ثروتمندی است. کاندیدای آمریکایی برای اینکه پیروز شود، باید پول جمع کند و پول در دستان لابی‌ها و ثروتمندان است و باید به وسیله ابزار رسانه‌ای این لابی‌ها پیروز شود و باید اذهان را هدایت کند و براساس این نمی‌تواند صرفا دنبال مُسکن‌ها برود و درمان هم اهمیت پیدا می‌کند. اوپاما یک مُسکن بود که جواب نداد و در نهایت شکست خورد.

بر ایران مسئله متفاوت است. شاید با کمی اغماض به‌نوعی توان گفت که انتخابات در ایران آزادانه‌تر

معرفی صرافی‌های متخلف به مراجع قضائی

● مدیرکل سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی با بیان اینکه چهار میلیارد ارز در چهار ماه گذشته به چرخه اقتصادی کشور بازگشته است، گفت: اگر تخلفی از سوی صرافی‌ها مشاهده شود، به مراجع قضائی معرفی می‌شوند. به گزارش تسنیم، مهدی کسرائی‌پور ظهر دیروز در مجمع نمایندگان استان یزد که در سالن کوثر استانداری یزد برگزار شد، با اشاره به اینکه شرایط کشور شرایط خاصی است، اظهار کرد: در شرایط نرمال فعالیت نمی‌کنیم که انتظارات در شرایط عادی باشد. مدیرکل سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی با بیان اینکه ما در یک جنگ نابرابر اقتصادی قرار داریم تصریح کرد: اینکه انتظار می‌رود بانک مرکزی تمام‌قد خدماتی را ارائه دهد که در شرایط نرمال و عادی ارائه می‌کرده، انتظار درستی نیست چون در شرایط نابرابر و جنگ اقتصادی قرار داریم. وی اضافه کرد: همه ما در کشور باید در جنگ اقتصادی کشور متناسب با نقشی که داریم انجام وظیفه کنیم تا بتوانیم این شرایط خاص را پشت سر بگذاریم. کسرائی‌پور خاطرنشان کرد: بانک مرکزی همیشه نگاه حمایت از تولید داشته و در بخش‌نامه‌های اخیر هم این موضوع مستتر است و تمام تلاش خود را به کار می‌گیریم که سیاست‌های درپیش‌گرفته را از قبل مورد بررسی قرار دهیم و تصمیمات خلق‌الساعه گرفته نمی‌شود.

قیمت لاستیک کاهش یافت

● رئیس اتحادیه بنگاه‌های مسافربری با بیان اینکه در بازار لوازم‌یدکی، روغن و لاستیک محصولات تقلبی و تاریخ‌گذشته وجود دارد، گفت: با عرضه لاستیک از سوی وزارت صنعت و اتحادیه فروشنندگان لاستیک در قالب یک برنامه مدون، قیمت لاستیک در بازار کاهش یافته است. علی انصافی در گفت‌وگو با ایسنا، در رابطه با شرایط رانندگان حمل‌ونقل درون‌شهری گفت: با وجود آنکه روغن‌موتورهای مصرفی صنف بنگاه‌های مسافربری ایرانی است اما قیمت تمام‌شده این محصولات برای مصرف داخلی بسیار قابل توجه است. رئیس اتحادیه بنگاه‌های مسافربری با بیان اینکه قیمت روغن‌موتور رشد قابل توجهی داشته است، گفت: با رشد عرضه روغن‌های تقلبی در بازار، انتخاب و مصرف روغن‌موتور بسیار سخت شده است.

آسیاتل تلفن ثابت نسل نو

امکان مکالمه توسط تلفن همراه